

گرامر درس دوم زبان انگلیسی سال یازدهم استاد یعقوبی راد

با یادگیری پیشوندها و پسوندها می توانید معنی خیلی از واژگان نا آشنا را حدس بزنید که نتیجه ی آن افزایش دایره لغات شماست.

- پیشوندها (prefixes) به ابتدای ریشه کلمات اضافه می شوند، آنها معمولا بین یک تا سه حرف هستند. مثلا پیشوند re با چسبیدن به فعل act، معنای آن را از کنش (act) به واکنش (react) تغییر می دهد.
- پسوندها (suffixes) به انتهای ریشه کلمات اضافه می شوند که معمولا بین یک تا پنج حرف می باشند. مثلا پسوند -ize با چسبیدن به صفت final، معنای آن را از نهایی (صفت) به نهایی کردن (فعل) تغییر می دهد.

Most common prefixes		متداولترین پیشوندها در انگلیسی
prefix	meaning	example
anti-	ضد-بر خلاف	Antifreeze-ضد یخ
de-	خارج	Defrost, delist, devalue
dis-*	نه- مخالف	Disagree,disappear, dislike
en-, em-	داخل قرار دادن	encode, embrace
fore-	قبل از	forecast
in-, im-	در	infield ,insert
in-, im-, il-, ir-*	بدون غیر	injustice, impossible
inter-	میان	interact
mid-	میان-بین	midway
mis-	اشتباهها	miscalculate,misinform, misunderstand
non-	نه -بدون	nonsense
over-	فوق	overlook
pre-	قبل از	prefix
re-*	دوباره-تکرار	return
semi-	نیمه	semicircle
sub-	تحت-زیر	submarine
super-	بالا	superstar
trans-	در عرض-از میان	transport
un-*	نه-نیست	unfriendly
under-	زیر	undersea

Most

متداولترین پسوندها در انگلیسی

Common Suffixes

suffix	meaning	example
-able, -ible	قابل انجام	comfortable
-al, -ial	دارای چنین ویژگی هایی	personal
-ed*	تبدیل افعال با قاعده به زمان گذشته	hopped
-en	ساخته شده از	Wooden, golden
-er	صفت تفضیلی یا برتری	higher
-er,	انجام دهنده	worker, actor
-est	صفت عالی	biggest
-ful	پراز	careful
-ic	دارای چنین ویژگی هایی	linguistic
-ing*	شکل فعل حال استمراری و اسم مصدر	running
-ion, -tion, -ation, -ition	پسوند های اسم ساز کنشی	occasion, attraction
-ity, -ty	بیان-حالت	infinity
-ive, -ative, -itive	ساخت صفت از اسم	plaintive
-less	بدون	fearless
-ly*	پسوند قید ساز	quickly
-ment	عمل یا فرآیند	enjoyment
-ness	حالت-موقعیت	kindness
-ous, -eous, -ious	دارای چنین ویژگی هایی	joyous
-s, -es*	جمع بیش از یکی	books, boxes
-y	دارای چنین ویژگی هایی	happy

حال کامل

حال کامل ساده (ماضی نقلی)

مثبت	have/has + past participle	She's written a book.
منفی	have/has not + past participle	I haven't written a book.
سوالی	Have/Has + ... + past participle?	Have you written a book?

از زمان حال کامل ساده (ماضی نقلی) در موارد زیر استفاده می‌شود:

✓ صحبت در مورد عمل یا حالتی که از گذشته شروع شده و تا زمان حال

ادامه داشته است که معمولاً با **for** و **since** می‌آید.

Example:

I've worked really hard for the last two weeks.

دو هفته گذشته تا الان سخت کار کرده‌ام.

- **نکته 1:** برای سؤال پرسیدن در زمان حال کامل از **how long** استفاده می‌شود.

How long have you lived here?

- **نکته 2:** **for** طول زمان و **since** مبداء زمان را نشان می‌دهد، مانند:

for two hours, for three days, for five months,

since 2006, since Sunday, since ten o'clock,
since I was four,

I **have been** in this hotel **for** the last week.

I **have been** in this hotel **since** last week.

- نکته 3: اگر بعد از **since** یک عبارت قرار بگیرد، فعل آن گذشته ساده است.

I have made a lot of progress since I
joined your class.

- نکته 4: **for** را در جملات می‌توان حذف کرد (البته نه در جملات منفی).

They've been married (for) ten years.

(with or without for)

They haven't had a vacation for ten years.

- نکته 5: **all for** به کار نمی‌رود:

I've lived here all my life .

(**not** I've lived here **for all** my life)

- نکته 6: جملات منفی همراه با **for** را می‌توان به جملات مثبت همراه با **since** تبدیل

نمود. در این صورت فعل بعد از **since** به صورت گذشته ساده است.

She hasn't called me **for** a week =

It's a week **since** she called me.

- نکته 7: **ago** و **since** با هم به کار نمی‌روند.

✓ صحبت در مورد اتفاقاتی که در زمان گذشته رخ داده اما در مورد زمان

دقیق وقوع آن صحبت نمی‌کنیم، بلکه آنچه که مدنظر ماست و برای ما

اهمیت دارد، اثر و نتیجه آنها در زمان حال است.

مبحث: درسنامه تفصیلی گرامر و لغات درس دوم زبان یازدهم

I've read all the books on the reading list.

(تمام کتاب‌های موجود در لیست را خوانده‌ام.)

Someone has broken the window.

(یک نفر پنجره را شکسته است.)

✓ صحبت درباره عملی که در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده است و اثر آن به صورت تجربه باقی است، اما بیان نمی‌کنیم که دقیقاً چه وقتی رخ داده است. در این موارد اغلب از **ever** و **never** و **before** و **up to now** و... استفاده می‌شود.

A: Have you **ever** been to Italy?

B: Yes, I've visited Italy once.

- نکته 1: اگر بیان کنیم که اتفاق/عملی چه موقع رخ داده است، باید فعل را به صورت گذشته ساده به کار ببریم.

I wasted a lot of time last week. (not I have wasted a lot of time last week.)

- نکته 2: در مورد اعمال یا وقایعی که با زمان حال هیچ ارتباطی ندارند مثلاً) رویدادهایی که در گذشته‌های دور اتفاق افتاده اند) از حال کامل استفاده نمی‌کنیم:

The Chinese invented printing. (not have invented)

✓ اگر بخواهیم راجع به کسی یا چیزی خبری بدهیم.

Sara has had a baby.

✓ اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که چند لحظه قبل انجام شده است، از حال کامل ساده به همراه **just** به معنی «چند لحظه قبل - تازه» استفاده می‌کنیم.

I've just got up.

از **just** (چند لحظه پیش، تازه)، **already** (قبلاً، پیش از این) و **yet** (هنوز، تا

حالا) در جملات حال کامل یا گذشته ساده استفاده می‌کنیم. از **yet** در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم و معمولاً در انتهای جمله می‌آید. در حالی که **already** عمدتاً در وسط جمله و در جملات مثبت استفاده می‌شود.

- A: Are Diane and Paul here?
- B: Yes, they've just arrived./Yes, they just arrived.
- It's only nine o'clock, and Ann has already gone to bed./Anne already went to bed.
- Joy bought a new dress, but she hasn't worn it yet./but she didn't wear it yet.
- Have Diane and Paul arrived yet?/Did Diane and Paul arrive yet?

✓ اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که زودتر از زمان مورد انتظار انجام شده است، از حال کامل ساده به همراه **already** به معنی «از قبل، قبلاً، همین حالا هم» استفاده می‌کنیم.

A: Don't forget to send that email.

B: I've already sent it.

مبحث: درسنامه تفصیلی گرامر ولغات درس دوم زبان یازدهم

✓ اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که هرگز انجام نداده ایم و یا مدتی است که انجام نداده ایم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

I have never smoked.

I haven't gone swimming for 10 years.

✓ اگر بخواهیم بگوییم، این اولین باری است (یا چندمین بار) که کاری را انجام می‌دهیم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

This is the first (second) time I've lost my keys.

✓ بعد از صفات عالی از حال کامل ساده استفاده می‌شود.

This is the most boring movie I've ever seen.

✓ صحبت در مورد یک دوره زمانی که تمام نشده است: مثل امروز، این هفته و ...

I've written a rough plan this morning.

✓ معمولاً بعد از عباراتی که در ذیل مطرح شده است، حال کامل ساده استفاده می‌شود:

It/this/that is the first/second/the best/the only/the worst/...

This is the only road I've ever known.

• نکته: در جملات سوالی معمولاً از ever/never استفاده می‌شود.

A: Have you ever played golf?

B: Yes, I play golf a lot.

اسم مصدر (Gerund)

اسم مصدر (Gerund) در زبان انگلیسی همیشه به **ing** ختم می شود که به عنوان اسم عمل می کند. یک اسم مصدر (به عنوان اسم) می تواند **فاعل**، **مفعول**، **مکمل** و **غیره** باشد. ساختار اسم مصدر به شکل زیر است:

Verb (فعل) + ing

مثلا اگر شما بخواهید بگویید درس خواندن سخت است، می گوئید:

Studying is hard

در این مثال همانطور که می بینید از اسم مصدر **studying** استفاده کردیم.

یا اگر بخواهید بگویید من از خواندن لذت می برم، می گوئید:

I enjoy **reading**

در این مثال از اسم مصدر **reading** استفاده کردیم.

نقش های اسم مصدر در جمله

اسم مصدر می تواند نقش های متعددی داشته باشد؛ ما در اینجا به رایج ترین آنها خواهیم پرداخت.

۱. به عنوان **فاعل**

Reading helps you learn English

خواندن به شما کمک می کند انگلیسی یاد بگیرید

Eating too much food makes people fat

خوردن بیش از حد غذا افراد را چاق می کند

Not doing her homework caused her to fail the test

انجام ندادن تکلیفش باعث شد تا در امتحان رد شود

۲. اسم مصدر به عنوان مفعول

I don't like **smoking**

من سیگار کشیدن را دوست ندارم

Are you tired of **studying**?

آیا از درس خواندن خسته شده ای؟

Alex is nervous because of not being on time.

الکس به دلیل سر وقت نبودن نگران است

۳. به عنوان مکمل فاعل

در این نقش اسم مصدر اکثر اوقات بعد از فعل **to be** می آید:

My favorite hobby is **reading**

سرگرمی مورد علاقه من خواندن است

Her problem is not **coming** to class on time

مشکل او نیامدن به موقع به کلاس استبعد از حرف اضافه

۴. پس از حروف اضافه مانند (**on - in - at - from - of**) از اسم مصدر استفاده می شود .

I am tired of sitting here.

I am tired of walking.

I will call you after arriving at the office.

Please have a drink before leaving.

I am looking forward to meeting you.

Do you object to working late?

Tara always dreams about going on holiday.

She is good at speaking English.

You can improve your English by using the Internet.

We need to keep on going.

I will call you after arriving in London

بعد از رسیدن به لندن باهات تماس می گیرم

She is good at learning languages

او در یادگیری زبان ها خوب است

۵. بعد از تعدادی افعال خاص

به طور کلی تعدادی افعال وجود دارد که معمولاً بعد از آنها از اسم مصدر استفاده می شود. این افعال عبارتند از:

- *Admit* پذیرفتن , *appreciate* تحسین کردن , *avoid* دوری کردن , *carry on* ادامه دادن , *deny* انکار کردن , *detest* منجر بودن , *consider* فرض کردن , *defer* تفاوت داشتن , *delay* درنگ کردن , *dislike* بد آمدن , *endure* تاب آوردن , *enjoy* لذت بردن , *excuse* عذر خواستن , *escape* فرار کردن , *involve* شامل شدن , *finish* تمام کردن , *forgive* فراموش کردن , *give up* برخاستن , *imagine* تصور کردن , *mention* شامل شدن , *miss* گم کردن , *postpone* درنگ کردن , *practise* تمرین کردن , *report* گزارش دادن , *risk* خطر کردن , *suggest* پیشنهاد کردن , *understand* فهمیدن

چند مثال

to his friend **talking** avoids He

استاد: مینا یعقوبی راد

مبحث: درسنامه تفصیلی گرامر و لغات درس دوم زبان یازدهم

او از صحبت کردن با دوستش خودداری می کند

She dislikes **watching** horror movies

او تماشا کردن فیلم های ترسناک را دوست ندارد

Do you want to postpone **returning** to Paris?

آیا می خواهی رفتن به پاریس را به تعویق بندازی؟

یک نکته بسیار مهم - تفاوت اسم مصدر (gerund) با حال استمراری

حتما می دانید **ing** می تواند برای نشان دادن اینکه مثلا چیزی هم اکنون در حال اتفاق افتادن است نیز بکار برود که مربوط به قواعد زمان حال استمراری است:

I'm playing football

من دارم فوتبال بازی می کنم

در این مثال **ing** به فعل **play** اضافه شده است تا استمرار فعل را نشان دهد. در واقع در مثال بالا **playing** یک فعل استمراری است. ولی همانطور که در ابتدای این مطلب گفتیم وقتی **ing** را به یک فعل اضافه می کنیم تا از آن اسم مصدر بسازیم در واقع فعلی که به آن **ing** اضافه شده است به عنوان اسم عمل می کند. بنابراین وقتی که یک فعل برای ساختار زمان حال استمراری استفاده می شود جزء اسم مصدر محسوب نمی شود (این افعال جزء **present participles** می باشند).

افعال دو کلمه ای:

- منظور از افعال دو کلمه ای همانطور که از اسم آن مشخص است از دو کلمه تشکیل شده است
- مثل: look up - talk about
- این نوع فعل ها خود به دو دسته تقسیم میشوند: افعال دو کلمه ای جداشدنی و افعال دو کلمه ای جدا نشدنی

۱. افعال جداشدنی:

- همانطور که دیدیم این افعال از دو کلمه تشکیل شده اند. در افعال جداشدنی ما می توانیم بین این دو کلمه یک کلمه دیگر هم قرار دهیم. مثال زیر توجه کنید:
- I took off my coat
- I took my coat off
- همانطور که دیدیم ما توانستیم فعل took off را به دو صورت در جمله بکار ببریم که به این نوع فعل ها جداشدنی میگویند.

مهم ترین افعال جدا نشدنی

- look at = نگاه کردن به
- look for = جستجو کردن
- look after = مراقبت کردن از
- talk to/with = حرف زدن با
- talk about = حرف زدن درباره
- wait for = منتظر بودن
- listen to = گوش کردن به
- consist of = تشکیل شدن از
- concentrate on = تمرکز کردن روی
- depend on = متکی بودن به

insist on = اصرار کردن

rely on = متکی بودن به

مثال:

I am waiting for him

~~I am waiting him for~~

- از آنجا که **waiting for** فعل جداشدنی است، پس ما نمیتوانیم جمله را به صورت دوم بنویسیم یعنی مابین دو کلمه دیگری بیاوریم.

مهم ترین افعال جدا شدنی

- **turn on** = روشن کردن
- turn of** = خاموش کردن
- turn down** = صدا را کم کردن
- put on** = پوشیدن
- take off** = درآوردن لباس
- pick up** = برداشتن، بلند کردن
- wake up** = بیدار کردن
- call up** = تلفن کردن
- look up** = پیدا کردن لغت در دیکشنری
- give back** = پس دادن
- take apart** = جدا کردن، باز کردن دستگاه
- find out** = فهمیدن، پی بردن
- put aside** = کنار گذاشتن
- write down** = نوشتن، یادداشت کردن
- take away** = بردن، دور کردن

یک نکته در مورد افعال جداشدنی :

وقتی مفعول به شکل ضمیر است، این مفعول فقط میتواند قبل از قید بیاید.

مثال:

I took it off

I took off it

همانطور که میبینید چون مفعول به شکل ضمیر آمده است، دیگر نمیتواند ما بین فعل جداشدنی قرار بگیرد.

Vocabulary lesson two

words	meanings	words	meanings
a bit	یک کم	develop	رشد کردن
active	فعال	diet	رژیم غذایی، رژیم
addiction	اعتیاد	disagree	مخالفت کردن
anti-cancer	ضد سرطان	disease	بیماری
at all	اصلا	disorder	بی نظمی، اختلال
attend	شرکت کردن	drug	دارو
behave	رفتار کردن	early stages	مراحل اولیه
balance	متعادل	education	تحصیلات
blood pressure	فشار خون	emotional	روحی، احساسی
bread	نان	ever	تاکنون
busy	مشغول	exciting	هیجان انگیز
calm	آرام	factor	عامل
carrot	هویج	family members	اعضای خانواده
cause	باعث شدن	fat	چاق
climb	بالا رفتن	fight	مبارزه کردن
condition	وضعیت	firefighter	آتش نشان
contain	شامل بودن	for	به مدت
couch potato	آدم تنبل و تماشاگر تلویزیون	forbidden	ممنوع
create	به وجود آوردن	gain weight	چاق شدن
cultural	فرهنگی	general health	سلامت عمومی
cure	درمان کردن	habit	عادت
cycle	دوچرخه سواری	hang out with friends	وقت گذراندن با دوستان
daily	روزمره	harmful	زیان آور، مضر
dangerous	خطرناک	healthy	سالم

مبحث: درسنامه تفصیلی گرامر و لغات درس دوم زبان یازدهم

death	مرگ	heart attack	حمله ی قلبی
decrease	کاهش یافتن	heartbeat	ضربان قلب
depressed	افسرده	hike	پیاده روی - کوهپیمایی
homeless	بی خانمان	prevent	جلوگیری کردن
homemade dish	غذای خانگی	properly	به طور مناسب
human	انسان، بشر	protein	پروتئین
hurt	آسیب زدن	quince	میوه به
illness	بیماری	recent	اخیر
important	مهم	regular	منظم
improve	بهبود یافتن	relationship	رابطه
incomplete	نا کامل	replay	پخش مجدد
increase	افزایش یافتن	rarely	به ندرت
influence	تاثیر گذاشتن	retire	بازنشسته شدن
invention	اختراع	rice	برنج
jog	آهسته دویدن	scientific	علمی
junk food	غذای ناسالم	secret	راز
key point	نکته ی کلیدی	serious	جدی
kid	بچه	serving	پرس غذا
laughter	خنده	sick	مریض
lifestyle	سبک زندگی	since	از
look after	مراقبت کردن	smoke	سیگار کشیدن
manner	طریق	social	اجتماعی
measure	اندازه گیری کردن	spaghetti	ماکارونی
medicine	دارو	special	مخصوص
midterm	میان ترم	sportsperson	ورزشکار
mission	ماموریت	still	هنوز
necessary	لازم	suffix	پسوند
neighbor	همسایه	take care	مواظب بودن
oil	روغن	taste	طعم، سلیقه

onion	پیاز	unfortunately	متاسفانه
patient	بیمار	university	دانشگاه
pray	دعا کردن-نماز خواندن	washing machine	ماشین لباسشویی
prefer	ترجیح دادن	watch out	مراقب بودن
prefix	پیشوند	yet	هنوز
prepare	آماده کردن		